اخبار

پیشنهاد تأمل‌برانگیز شهاب حسینی به هالیوود

فیلمی درباره نمرود بسازید

اقدام اخیر دونالد ترامپ و امضای فرمان منع ورود ایرانیان به آمریکا با واکنش‌های فراوانی حتی در داخل خاک آمریکا مواجه شده است. در داخل کشور نیز هنرمندان و مسؤولان از رفتار مشمئزکننده ترامپ انتقاد کرده‌اند. شهاب حسینی، بازیگر سینما و تلویزیون در یکی از این واکنش‌ها در متنی که در صفحه شخصی خود منتشر کرده، دوران ترامپ را یادآور ظهور هیتلر دانسته است. شهاب حسینی می‌نویسد:

هم اوست یگانه مالک متعال.

افسوس که جهان امروز در فرآیندی متناقض از پیشرفت علم و تکنولوژی و پس‌رفت فرهنگ انسانی قرار دارد. گویی هر روزه در هر گوشه دنیا باید شاهد ظهور اندیشه‌های پوسیده در قالب کسانی باشیم که زمام امور ملت‌ها را به دست می‌گیرند و جهان را به جای هدایت به نور آگاهی به ورطه ظلمت جهل می‌کشانند و هر روز و به هر بهانه نفاق، کینه، جدایی و نژادپرستی را در میان جوامع بشری رواج می‌دهند و این در حالی است که ملت‌های جهان در مسیری بر خلاف سیاستمداران‌شان رو به سوی آزادی اندیشه، یگانگی و یکپارچگی دارند و با وجود هر اتفاقی در هر گوشه دنیا شکوه وحدت در عین کثرت را در همدردی و همدلی با مردم رنجدیده در هر کجای دنیا به نمایش می‌گذارند. نمایشی چنان عظیم و باشکوه که هر عقل سلیم و دل رحیمی را تحت تاثیر قرار می‌دهد مگر کسانی را که بر کوردلی و تاریک‌اندیشی خود اصرار دارند آنقدر که نمی‌دانند به وسعت جایگاهی که امروز در آن قرار گرفته‌اند مورد امتحان نظم آفرینش و آزمایش الهی قرار خواهند گرفت و چه بسا اگر در جایگاه تصمیم‌گیری‌های کلان باشند نه تنها مسؤولیت یک یا چند انسان، که بار مسؤولیت جوامع و ملت‌های دنیا را در کارنامه خود خواهند داشت و پاسخگوی آن خواهند بود و چه زیبا گفت شاعر؛ گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش. این اواخر نقطه نظرات و مواضع اختیار شده توسط رئیس‌جمهور ایالات‌متحده «دونالد ترامپ» یادآور روزگاری سیاه و نه چندان دور در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ میلادی و ظهور آدولف هیتلر است که تبعات فاجعه‌آمیز آن تا قرن‌ها بعد از این از حافظه جهان پاک نخواهد شد. سرنوشت تمام تکسونگران، متکبران و خونخواران تاریخ همواره چون آینه در برابر انسان‌هاست خصوصا در معرض دید کسانی چون دونالد ترامپ و موافقان‌شان تا شاید چراغی باشد از گذشته برای گذر به سوی آینده. به عنوان یک بازیگر و کارگردان سینما به هالیوود پیشنهاد می‌کنم دوباره ساخت فیلمی درباره پادشاهی به نام نمرود را در دستور کار خود قرار دهد، پادشاهی کهن که داعیه خدایی داشت و سرانجام توسط یک پشه از پای درآمد...

سیدشهاب‌الدین‌حسینی

■■■

«فانوس دریایی» در کتابفروشی‌ها

رمان جدید مریم بصیری با عنوان «فانوس دریایی» از سوی نشر آرما منتشر شد. به گزارش مهر، بصیری در این رمان که با محوریت شهدای نیروی دریایی ارتش نوشته شده است داستان زندگی یاشار را روایت می‌کند که شاعری آذری است و برای یافتن پدر شهیدش و ادامه تحصیل در رشته کشتی‌سازی از ساحل دریاچه ارومیه تا ساحل دریای عمان سفر می‌کند. او به دنبال رمز عملیات آبی مروارید است که به تعبیر خودش از آنها با عنوان مرواریدهایی که از صدف‌های شناور روی دریا به آب غلتیدند و در دریا شهید شدند، یاد می‌کند. مریم بصیری بتازگی رمان دیگری را نیز با عنوان «شب‌های حرم‌خانه» از سوی نشر اسم منتشر کرده است. وی همچنین به خاطر نگارش رمان دخیل عشق توانست نامزدی در جایزه زیباترین کتاب سال در کشور آلمان، جایزه کتاب سال جلال آل‌احمد، قلم زرین، شهید حبیب غنی‌پور و کتاب سال دفاع‌مقدس را کسب کند. رمان «فانوس دریایی» را نشر آرما با قیمت ۱۱ هزار تومان منتشر کرده است.

■■■

پژمان بازغی: دولت آمریکا با «مردم ایران» مشکل دارد

پژمان بازغی پس از اقدام دولت آمریکا در ممنوعیت ورود ایرانیان به این کشور گفت: این کار نشان داد دولت آمریکا با مردم ایران مشکل دارد نه فقط با نظام جمهوری اسلامی ایران. به گزارش فرهنگ نیوز، پژمان بازغی با تمجید از اقدام ترانه علیدوستی گفت: بهترین اقدام را ترانه علیدوستی انجام داد و حتی عنوان کرد اگر باز هم دعوتش کنند به آمریکا نخواهد رفت. وی با بیان اینکه رئیس مجلس نیز در این زمینه بیانیه صادر کرده است، ادامه داد: این کار نشان داد دولت آمریکا با مردم ایران مشکل دارد نه فقط با نظام جمهوری اسلامی ایران.

درباره فیلم‌های اکران شده در روز اول جشنواره سی‌وپنجم فجر

نخند! وقت نداریم

گروه فرهنگ و هنر: از میان اکران‌های روز اول جشنواره سی‌وپنجم که معمولا روز نمایش فیلم‌های متوسط و البته ضعیف است، ایتالیا ایتالیا به خاطر برخی جذابیت‌های محدود سینمایی و البته سانسی مناسب‌تر، مخاطبان بیشتری داشت و حرف‌های بیشتری درباره‌اش زده شد. به گزارش «وطن‌امروز»، ایتالیا ایتالیا ساخته کاوه صباغ‌زاده در حالی در روز اول اکران‌های برج میلاد، به نمایش درآمد که کمتر دغدغه‌مندی در آن دیده می‌شد و بیشتر متکی به چاشنی‌های سینمایی بود و تلاش برای کمی خنداندن. حال آنکه موضوع محوری فیلم کمی جدی بود تا اینکه خنده‌دار باشد. شاید یکی از دیالوگ‌های خود فیلم مناسب حال ایتالیا ایتالیا باشد، آنجا که برفا تلاش دارد نادر را برای بازیگری آماده کند و او می‌خندد؛ و برفا به او می‌گوید: «نخند! وقت نداریم». فیلم «اِو» اصغر یوسفی‌نژاد هم در سانس بعدی در فرم و محتوایی کاملا متمایز و البته خسته‌کننده و کش‌دار در سینمای تجربی نتوانست نگاه منتقدان را به خود جلب کند. فیلم آخر شب اول اکران، «آزادی به قید شرط» بود که برداشتی سطحی از چندمعضل اجتماعی و نگاهی خنده‌دار به روابط انسانی داشت. این فیلم با استقبال کمی در سانس آخر مواجه شد و ضعف پرداخت برخی سکانس‌های جدی باعث شده بود، تماشاگران لحظاتی از فیلم را با خنده و شوخی همراه کنند. «خانه دیگری» نخستین فیلم به نمایش درآمده در روز اول نیز با یک ایده مرکزی غیرقابل هضم، چنگی به دل نزد. در زیر ۲ نوشته درباره «ایتالیا ایتالیا» و نوشته‌هایی درباره فیلم‌های دیگر شب اول اکران جشنواره می‌خوانیم:

سلام ایتالیا

محسن شهمیرزادی: ایتالیا ایتالیا، طنز فانتزی است که نیمه اول آن بالیوود و نیمه دوم آن با رئالیسم سیاه ترکیب شده بود. خوش باشی، دردِ بی‌دردی و حضور در یک خلسه فانتزی از ویژگی‌های نیمه اول ایتالیا ایتالیاست که مشابهت فراوانی با سلام بمبئی دارد منتها با این تفاوت که کارگردان توانسته با بهره‌گیری از عناصر فرهنگی ایتالیا و نوستالژی‌هایش فیلم خوش آب و رنگی از آب در آورد. نوستالژی‌هایی که البته برای جامعه ایرانی تا حدی غریب ولی جذاب است. اما در ابتدای نیمه دوم فیلم می‌توانستیم به صورت باورپذیر سرمای زندگی جامعه مدرن ایرانی را در میانه ازدواج ببینیم. کشوری که آغاز ازدواج‌هایش فیلم هندی‌است و میانه (و شاید انتهای زودرس) آن تبدیل به ژانر نوآر می‌شود. درست در جایی که فیلم می‌توانست یک راه جدیدی را در ترکیب کمدی و درام رقم بزند و با زبان شیرین تلخی واقعیت را به مخاطب بچشاند، نشان داد که از همه عناصر برای سرگرم کردن مخاطب استفاده کرده و با افتادن در ورطه لودگی و به جریان انداختن کنایه‌های جنسی از مد افتاده تلاش می‌کند تا مخاطب از صندلی جدا نشود. از سویی در این فیلم شاهد به کار بردن اسامی و اصطلاحاتی هستیم که صرفا مخاطب خاص و اهالی سینما متوجه آن خواهند شد. از سوی دیگر موضوعات و مطالبی در فیلم مطرح می‌شود که پرواضح است ربطی به ساختار فیلم نداشته و کارگردان تلاش کرده تا برخی از حرف‌های شخصی خود را در آن بگنجاند. از اساس این خاص‌گرایی برای فیلمی که به گیشه تمایل دارد مناسب نبوده و بازار استقبال از فیلم را کساد خواهد کرد اما فارغ از تمامی انتقادات، ایتالیا ایتالیا یک وجه مثبت قابل تامل داشت؛ تغییر نقش زن و مرد در زندگی که زن مسؤول کار در بیرون از منزل است و از سر صبح تا انتهای شب در حال فعالیت بوده. در حالی که مرد به دلیل مشغله خاص خود همیشه در منزل است، غذا می‌پزد، خانه را مرتب می‌کند و هر شب منتظر آمدن همسرش از سرکار است. اگرچه این اتفاق در خانواده نادر بدیهی انگاشته شد اما عمده مشکلات آنها دقیقاً از همین موضوع شروع می‌شود، جایی که نقش زن و مرد تغییر کرده و «رکود» زندگی آنها هیچگاه به پایان نمی‌رسد، هرچند تغییر نقش همسران در جامعه مدرن می توانست دستمایه‌ی خلق اثری طنز اما با نقدی جدی باشد، نقدی که شاید پیش از این حجازی در زندگی خصوصی آقای محمودی و بانو و همچنین فیلم سابقش بخوبی اشاره کرده بود. اگرچه ایتالیا ایتالیا قصه منسجمی نداشته و به قول منتقدان به فیلم تبدیل نشده است اما با برخی حذفیات و کوتاه کردن فیلم ۱۱۰ دقیقه‌ای خود می‌تواند به یک سلام بمبئی دسته دوم اما عمیق‌تر تبدیل شود.

کبوناتای سینمایی

وحید محرابیان: «کبوناتا» نام غذایی سیسیلی و محبوب است که مخلوطی تاثیرگرفته از ۳ غذای یونانی، عربی و اسپانیایی است. ستاره این سالاد سبزیجات گرم، بادمجان است اما توسط سس شیرین و ترش به آن جلوه داده و آن را به غذای سالم گیاهی، لذتبخش و فراموش نشدنی تبدیل می‌کند. این غذا معمولا شامل پیاز، کرفس، کیپر و هر سبزیجاتی که مردم در آشپزخانه‌شان داشته باشند، می‌شود. به عبارت دیگر دستورالعمل مشخصی برای کاپوناتا وجود ندارد و هر رستوران و خانه‌ای دستور پخت خود را دارد. به همین دلیل اگر در سیسیل این غذا را می‌خورید وجود زیتون، کشمش، آجیل کاج و حتی هشت‌پا در کبوناتای شما غیرعادی نیست. «کبوناتا» بهترین مثال برای معرفی «ایتالیا ایتالیا»ی کاوه صباغ‌زاده است؛ ملغمه‌ای از موضوعات مختلف در قالبی موزیکال، عاشقانه، فانتزی، درام و کمدی. این کارگردان جوان در اولین فیلم سینمایی خود تلاش کرده مسائل مختلف یک زوج آرتیست که با سبکی غربی در ایران زندگی می‌کنند و ناگهان با یک شوک بزرگ در زندگی مواجه می‌شوند را به نمایش بگذارد. «برفا» کارگردانی است که تلاش می‌کند نخستین فیلم سینمایی خود را بسازد. ناکامی‌های پی‌درپی او در این راه، برگرفته از داستان واقعی زندگی صدها جوان پرشوری است که در سینمای ایران نفس می‌کشند و روزهای خود را با آرزوی ساخت فیلم اول‌شان به شب می‌رسانند. استفاده از دانش اقباشاوی و علی ملاقلی‌پور به عنوان بازیگران مکمل در «ایتالیا ایتالیا» برای مستند کردن همین تجربه است. «نادر» مترجمی، عشق ایتالیا است که بعد از دوستی با «برفا» با او ازدواج می‌کند. زندگی خوب او پس از یک حادثه دردناک با رخوتی بزرگ روبه‌رو شده است. زندگی در این گندآب عذاب‌آور و مواجهه «نادر» با مشکلات برای عبور از این وضعیت مهم‌ترین چالشی است که داستان «ایتالیا ایتالیا» حول محور آن روایت می‌شود. «ایتالیا ایتالیا» در حالی که در حال نمایش یک سبک زندگی پر رنگ و لعاب غربی است، به نقد آن هم می‌پردازد. بی‌توجهی «برفا» به زندگی و حرف زدن با دوست پسر قبلی‌اش «نادر» را به این شک می‌اندازد که همسرش به او خیانت می‌کند. شکی که در «برفا» هم نسبت به «نادر» دارد. صباغ‌زاده تلاش کرده در نخستین دستپخت خود که نام یک سریال قبل انقلابی را یدک می‌کشد، از هر نوع چاشنی سینمایی که در دسترسش هست استفاده کند تا فیلمی پرفروش بسازد. از شوخی با سینماگران گرفته تا موزیک ویدئوهای کم‌رمق و طعنه‌های جنسی؛ چاشنی‌هایی هستند تا مخاطبی که در نیمه اول فیلم به دلیل عقب جلو شدن‌های بی‌جا کاملا سردرگم شده است را کم کم با این اثر همراه کند و به پایان باز عجیب و غریب انتهای فیلم برساند؛ پایان بازی که مخاطب پرحوصله سرذوق آمده را هم کاملا ناامیدمی‌کند.

جشنواره

اِو/خانه

قایمش نکن!

محمد رضوانی‌پور: «اِو» بر پایه فرمولی ساده ساخته شده: مخفی کردن پراهمیت‌ترین بخش درام از مخاطب و نمایاندن آن در توئیست پایانی. از ثانیه آغازین فیلم تا دقایقی مانده به پایان با انبوهی از آه و ناله و مرافعه مواجهیم بدون آنکه در طول این مدت، جایگاه و انگیزه کاراکترهای پیش‌برنده ماجرا مشخص و ملموس شود. فیلم در روایت داستان خود وقت تلف می‌کند و به جای بسط و گسترش موقعیت مرکزی، آن را کش داده و به بهانه‌های مختلف تکرار می‌کند. این روند در قالب دیالوگ‌های سطحی و لحن ممتد و سرسام‌آور بازیگران ادامه می‌یابد تا آنکه فیلمساز سرانجام برنگ برنده‌اش را رو کرده و فیلم را درست در همان‌جایی که باید آغاز کند پایان می‌دهد. تمام موجودیت فیلمنامه به همین خودداری از ارائه اطلاعات وابسته است و اگر این شگرد خام‌دستانه را از ساختارش حذف کنیم دیگر هیچ چیز از فیلم باقی نخواهد ماند. شاهکار فیلمنامه آنجاست که در ۱۰ دقیقه پایانی و با ورود نادر (شخصیت کلیدی فیلمساز برای افشای اطلاعات)، کاراکتر اصلی فیلم (سایه) به یکباره از مواضع سفت و سختش کوتاه آمده و همه چیز ختم به خیر می‌شود. حال می‌توان از فیلمساز پرسید آیا ممکن نبود نادر نیم ساعت زودتر به محل حادثه برسد، سایه را با استدلال‌های سطحی‌اش قانع کرده و بدین وسیله فیلم سریع‌تر اتمام یابد؟ لابد جواب منفی است چراکه از اول قرار بوده «اِو» در جشنواره فجر به نمایش درآید و نه جشنواره فیلم کوتاه تهران! همه اینها به کنار، فیلم در کارگردانی نیز از نقص‌های متعددی رنج می‌برد. دوربین به اصطلاح سیّال و در واقع سرگردان فیلم که غالباً نماهای درشت بازیگران را قاب می‌گیرد، فرصت شناخت محیط را از بیننده سلب کرده و به جغرافیای فیلم آسیب می‌زند. وقتی نه در کارگردانی، نه در فیلمبرداری، نه در تدوین، نه در طراحی صحنه و... شاهد دستاورد قابل توجهی به لحاظ دراماتیک نیستیم و در عوض «دیالوگ» برجسته‌ترین عنصر فیلم برای روایتگری است، اصلاً این سوال مطرح می‌شود که چرا اصغر یوسفی‌نژاد در تولید این اثر سراغ مدیوم سینما آمده و اینکه او در این مسیر تا چه میزان از امکانات بیانی سینما بهره گرفته است؟ اگر «اِو» به کلی در قالب یک نمایشنامه رادیویی خلق می‌شد، تا چه اندازه با خروجی فعلی توفیر داشت؟ سوال پایانی اینکه چرا باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی سینمای آذربایجان، فیلمی تولید کرد که دربردارنده تصویری مغشوش و عقب‌مانده از مردان و زنان آذری است آن هم در شرایطی که عدم رعایت «عدالت در بازنمایی»، یکی از معضلات همیشگی بازنمایی قومیت‌ها در رسانه‌های داخلی ایران است؟

جشنواره

آزاد به قید شرط

شلختگی!

پوریا دارابیان: حسین شهابی که نخستین اثرش یعنی فیلم «روز روشن» توانسته بود نظر اغلب منتقدان را به خود جلب کند در آخرین ساخته‌اش با عنوان «آزاد به قید شرط» در ادامه مسیر فیلمسازی‌اش همانند ۳ اثر پیشین خویش سراغ ساخت فیلمی با قصه‌ای رئال و با بن‌مایه مشکلات و مصائب اجتماعی رفته است. «آزاد به قید شرط» روایت‌گر داستان زندگی «کیوان کمالی» است که به دلیل یک اشتباه، ۱۰ سال از عمر خود را در زندان سپری کرده و اکنون در حالی که به قید شرطی یک ساله برای دوری از ارتکاب به خطا، از زندان رهایی یافته است؛ باید با مشکلات خانوادگی متعددی که برجا مانده از دوران حبس وی است، دست و پنجه نرم کند. شهابی در این اثرش تلاش کرده در خلال روایت قصه کیوان کمالی، مسائل اجتماعی مانند رانت و تبعیض در سطح کلان، عدم حمایت از کالای داخلی، نقص قوانین در مجازات متنفذان، نقش خانواده در تربیت فرزندان، عاقبت اعتماد بی‌جا و... را به نمایش درآورد. همین موضوع نیز در نهایت به پاشنه آشیل فیلم بدل شده به نحوی که این اثر نه تنها نمی‌تواند به تمام موضوعات مد نظرش بپردازد که حتی در بیان درست و دقیق یکی از آنان نیز ناموفق می‌نماید. البته دلیل بروز چنین اتفاقی کاملاً مشخص بوده و ریشه در این دارد که یک فیلم سینمایی (حتی با مدت زمانی در حدود ۱۲۰ دقیقه) هرگز بستر مناسبی برای پرداختن به این حجم از معضلات اجتماعی نبوده و همین امر نیز موجب آن شده در مجموع در «آزاد به قید شرط» با اثری شلخته و بدون منطق طرف باشیم که تنها تلاش دارد به صورت بیانیه‌وار پیام‌های خود را به گوش مخاطبش برساند؛ اتفاقی که آن قدر در جای جای اثر تکرار می‌شود که نه تنها موجب خستگی و کسالت مخاطب می‌شود بلکه از جایی به بعد حالت هجو به خود گرفته و در برابر این همه زیاده‌گویی، مخاطب را به خنده وا می‌دارد! در مجموع می‌توان گفت آخرین اثر حسین شهابی، فیلمی سطحی، کم‌کشش و بدون هیچ‌گونه خلاقیتی است که البته بسیار پرمدعا می‌نماید و سعی دارد با صدور گاه و بیگاه بیانیه‌های انتقادیِ بزرگ‌تر از دهان خویش، اثرش را مهم جلوه دهد! اثری که هر چه باشد رنگ و بویی از هنر در آن دیده نمی‌شود.

کتاب

نخستین رمان شاعر معروف عرب به ایران رسید

نخستین رمان غاده السمان با ترجمه‌ای از سمیه آقاجانی روانه بازار کتاب شد. به گزارش تسنیم، کتاب «بیروت ۷۵» اولین رمان غاده السمان، شاعر معروف و شهره جهان عرب است که بتازگی با ترجمه‌ای جدید از سمیه آقاجانی روانه بازار کتاب شده است. غاده السمان یکی از چهره‌های شاخص ادبیات عرب است که درکی ژرف از مشکلات امروز جهان عرب، مساله فلسطین، زن، استعمار نو در جهان سوم و... دارد. او امروزه به عنوان یکی از بارزترین نام‌های زنان در عرصه ادبیات عرب مطرح است. وی سال‌های پرآشوب بیروت را با تمام وجود لمس کرده و درون‌مایه رمان‌های معروف او، «کابوس‌های بیروت» و «بیروت ۷۵» نیز بازتاب این درد استخوان‌سوز است. رمان «بیروت ۷۵» مربوط به لبنان و وقایع داخلی این کشور است. این کتاب بخوبی توانسته است جنگ‌های داخلی لبنان، تعصبات قومی و قبیله‌ای میان آنها، بی‌خیالی و بی‌مسؤولیتی طبقه مرفه و در مقابل زندگی فقیرانه و پر از بدبختی و مشکلات این کشور و بسیاری از مسائل دیگر را با قلمی شیوا و تأثیرگذار بازگو کند. این اثر داستان چند جوان است که هرکدام سرگذشتی متفاوت دارند. نویسنده تلاش دارد وضعیت اجتماعی زمان داستان را بخوبی به تصویر بکشد. نشر ماهی این اثر را به قیمت ۸ هزار و ۵۰۰ تومان روانه بازار کتاب کرده است.

رویدادها

«این سه لیبرالیست» منتشر شد

«این سه لیبرالیست»، جدیدترین کتاب شهریار زرشناس است که در نقد آرای ریچارد رورتی، فردریش فومن هایک و میلتون فریدمن منتشر شده است. به گزارش فارس، شهریار زرشناس جدیدترین کتاب خود با عنوان «این سه لیبرالیست» با موضوع نقد آرای ریچارد رورتی، فردریش فومن‌هایک و میلتون فریدمن منتشر کرد. این کتاب را انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در ۱۸۴ صفحه و قیمت ۱۵ هزار تومان به زیور طبع آراسته است.

■■■

ساخت «دریاچه ماهی» به سبب عرق من به دفاع‌مقدس بود

مریم دوستی، کارگردان فیلم دریاچه ماهی گفت: ساختن این فیلم به سبب عرق به دفاع‌مقدس و دغدغه شخصی من بود. به گزارش ایرنا، وی اظهار داشت: به‌خاطر تعصبم به تاریخ معاصر ایران این فیلم را ساختم. دوستی در ادامه درباره جشنواره فیلم فجر نیز گفت: اگر برخی محافظه‌کاری‌ها برداشته شود و واقعا به فکر سینمای ایران باشیم به طور حتم اتفاق خوبی می‌افتد. کارگردان فیلم سینمایی دریاچه ماهی یادآور شد: این فیلم در بخش چشم‌انداز جشنواره انتخاب شد و ما فیلم را از این بخش بیرون نیاوردیم تا مردم و اصحاب رسانه خود قضاوت کنند. فیلم دریاچه ماهی نگاهی به وقایع پس از جنگ دارد و داستان چند خانواده را روایت می‌کند که در نقطه مشترکی به یکدیگر می‌رسند و در این میان عشق گمشده‌ای پیدا می‌شود. این فیلم نخستین تجربه بلند سینمایی مریم دوستی است وی پیش از این ساخت ۱۲ فیلم کوتاه را در کارنامه هنری خود داشته است.

■■■

فرش قرمز در برج میلاد پهن شد

در حالی که دبیر سی‌وپنجمین جشنواره فجر اعلام کرده بود مراسم فرش قرمز در برج میلاد برگزار نخواهد شد ولی در نخستین روز برگزاری جشنواره، عوامل فیلم‌ها روی فرش قرمز رفتند. به گزارش ایرنا، محمد حیدری در نشست خبری سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر گفته بود: برج میلاد مکان تخصصی برای دیدن فیلم برای اهالی رسانه، منتقدان و صاحبان فیلم است. دوره‌های گذشته نقدهایی مطرح می‌شد که افراد زیادی در این مکان حضور دارند، به همین دلیل تصمیم گرفته شد مراسم فرش قرمز در برج میلاد برگزار نشود. حیدری از پهن شدن فرش قرمز در پردیس ملت خبر داد تا عکاسان در هر دو کاخ مردمی و رسانه جشنواره عکاسی کنند ولی عوامل و بازیگران اولین فیلم جشنواره در برج میلاد روی فرش قرمز حضور پیدا کردند و برای ۲ فیلم دیگر «ایتالیا ایتالیا» و «او» نیز پهن شد و عکاسان از این مراسم تصویر گرفتند.

■■■

حوادث سرنوشت‌ساز انقلاب در «روزهای سرنوشت»

مجموعه مستند - داستانی «روزهای سرنوشت» با موضوع حوادث سرنوشت‌ساز سال‌های ۵۶ و ۵۷ از شبکه ۳ سیما پخش می‌شود. به گزارش روابط عمومی شبکه ۳ سیما؛ مجموعه مستند - داستانی روزهای سرنوشت به کارگردانی جمشید بیات‌ترک در ۱۰ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای وقایع شکل‌گیری انقلاب اسلامی را روایت می‌کند. در این مجموعه مستند، ابتدا تبعات واقعه نمایش داده می‌شود و سپس به گذشته برمی‌گردد تا اصل ماجرا و کسانی که در آن نقش داشتند، معرفی کند. مستند روزهای سرنوشت، با انتخاب ۱۰ رویداد مهم و کلیدی، اوج‌گیری مبارزات مردم علیه طاغوت تا پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران را با استفاده از تصاویر آرشیوی، بازسازی برخی حوادث و گفت‌وگو با افراد مطلع، روایت می‌کند.

■■■

برپایی «روزی روزگاری آمریکا»

به مناسبت ایام پیروزی انقلاب اسلامی نمایشگاه آثار گرافیک احمد آقاقلی‌زاده با عنوان «روزی روزگاری آمریکا» امروز در حوزه هنری برپا می‌شود. به گزارش فارس، این نمایشگاه تا ۳۰ بهمن ماه از ۹ صبح تا ۱۸ پذیرای علاقه‌مندان است. احمد آقاقلی‌زاده درباره این آثار اظهار داشت: تمام گرفتاری‌های بشر امروز و شیطنت اراذل و اوباش‌هایی ریز و درشت در عربستان، ترکیه و اسرائیل، قطر و دیگر کشورها زیر سر آمریکاست و زبان هنر می‌تواند چهره واقعی آمریکا را به تمام مردم جهان نشان دهد. وی ادامه داد: بر همین اساس بنده ۲۲ پوستر ضدآمریکایی را برای دهه فجر آماده کردم و به مناسبت ورود امام خمینی (ره) به کشور ۴ پوستر طراحی کردم که این پوسترها در حوزه هنری به نمایش گذاشته می‌شود. «احمد آقاقلی‌زاده» هنرمند طراح گرافیک معاصر از هنرمندان مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری است.